



میقات

فصلنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی
سال بیستم، بهار ۱۳۹۱

میقات حج

صاحب امتیاز:

حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت

مدیر مسؤول: سیدعلی قاضی عسکر

هیأت تحریریه حضرات آقایان:

- جعفریان، رسول

- عابدی، احمد

- محدثی، جواد

- مختاری، رضا

- ورعی، سیدجواد

- معراجی، محمد مهدی

- هدایت پناه، محمدرضا

مدیر اجرایی و ویراستار: علی ورسه‌ای

صفحه‌آرایی و گرافیک: محمد رسولی فرد

حروفچینی: پژوهشکده حج و زیارت

لیتوگرافی و چاپ: مشعر

نشانی: قم / خیابان سمیه / بین کوچه ۲۶ و ۲۸ پژوهشکده حج و زیارت - تلفن: ۷۷۴۰۸۰۰ / فکس: ۷۷۳۱۵۵

آدرس اینترنتی: www.hajj.ir آدرس پست الکترونیکی: Miqat.haj@gmail.com

یادآوری:

مسئولیت آراء و نظریات به عهده نویسندگان است. // میقات، در ویرایش مطالب آزاد است. // مقالات رسیده بازگردانده نخواهد شد.

فهرست

فقه حج

قاعده میقاتیه «كُلُّ مَنْ مَرَّ بِمِيقَاتٍ وَجِبَ عَلَيْهِ الْإِحْرَامُ» / ۶
ولی‌الله ملکوتی‌فر / علی اکبری

استنلال (۲) / ۲۴
مصطفی آخوندی

تاریخ و رجال

خفتگان در بقیع (۱۳) / ۴۶
علی اکبر نوایی

بعداشت در حج

اقتصاد سلامت و ارتقای بهره‌وری و عدالت در حج تمتع... / ۷۶
دکتر امین‌رضا طباطبایی / دکتر احمد فیاض‌بخش

حج در آیین ادب فارسی

حج در شعر شاعران معاصر / ۸۸
نسرین تهمتن

خاطرات

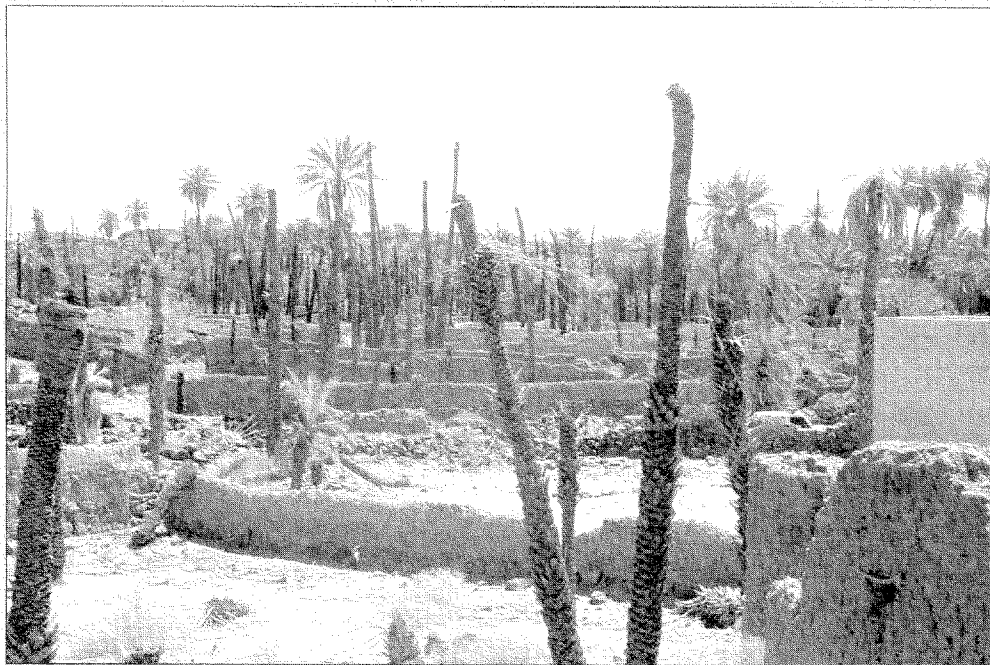
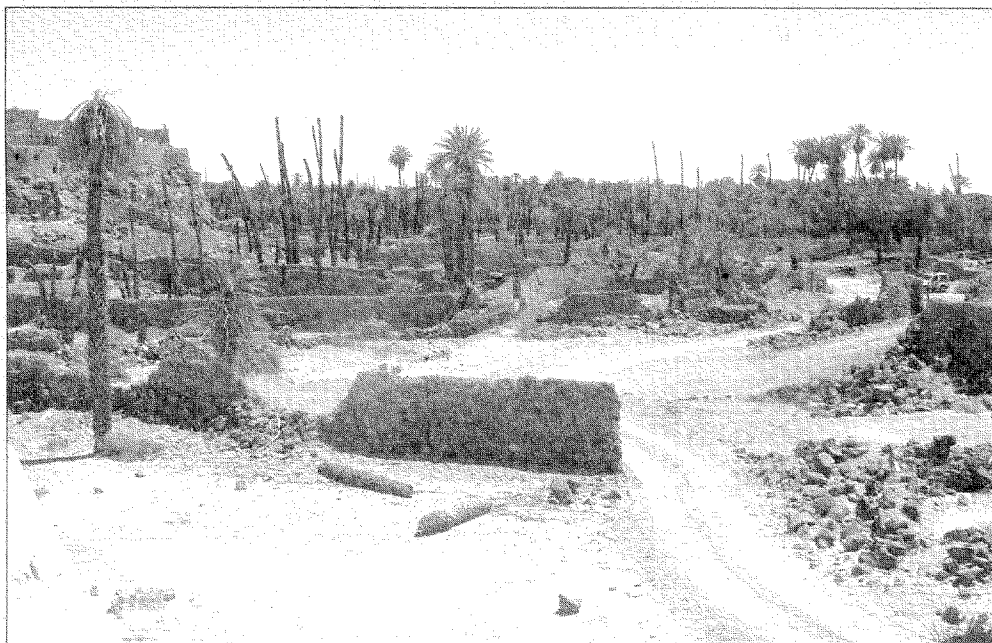
سفرنامه مکه / ۱۱۸
به کوشش: عارف رمضان / رسول جعفریان

از نگاهی دیگر

آیا خدا در آسمان است؟ / ۱۴۰
علی الله بداشتی
تحلیل فلسفه و جوب حج (با تأکید بر مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی حج و زیارت) / ۱۶۲
غلامحسین روحی سراجی

اخبار و گزارش‌ها

خبرهایی از حج، عربستان و... / ۱۷۲



آثاریه جامانده از باغ ها و نخل های قدک



فصح



مسجد الشجره



قواعد فقهی حج:

قاعده میقاتیه (۱)

ولی الله ملکونی فر* / علی اکبری*

«كُلَّ مَنْ مَرَّ بِمِيقَاتٍ وَجَبَ عَلَيْهِ الْإِحْرَامُ»

چکیده

قاعده «مَنْ مَرَّ بِمِيقَاتٍ وَجَبَ عَلَيْهِ الْإِحْرَامُ» ویژه حج است و در دیگر عبادات کاربرد چندانی ندارد. براساس احادیث ائمه علیهم السلام هر فردی که اراده حج کند باید از میقات‌های پنجگانه‌ای که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تعیین کرده‌اند مُحرَم شود و به انجام مناسک بپردازد. هیچ کس نمی‌تواند بدون احرام از میقات عبور کند جز شخصی که می‌خواهد وارد مکه شود ولی به خاطر عذری نمی‌تواند مناسک را انجام دهد. مُحرَم شدن قبل از میقات ممکن نیست مگر در مورد شخصی که نذر کرده و یا به دلیل تنگی وقت ترس از آن دارد که از فضیلت عمره رجبیه محروم شود. احرام به خاطر انجام مناسک واجب است و مشروعیت احرام مشروعیت غیری است نه مشروعیت ذاتی.

کلیدواژه: میقات، احرام، محرم، مناسک، حج.

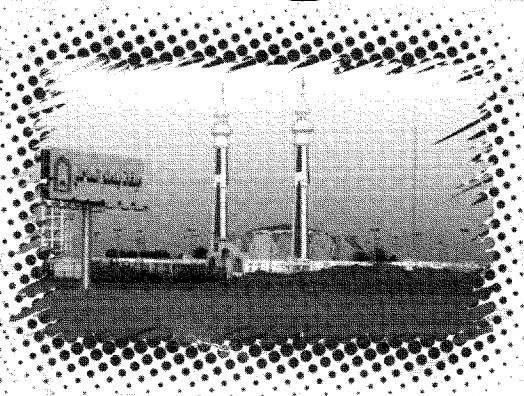
* عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی سبزوار
* دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

میقات

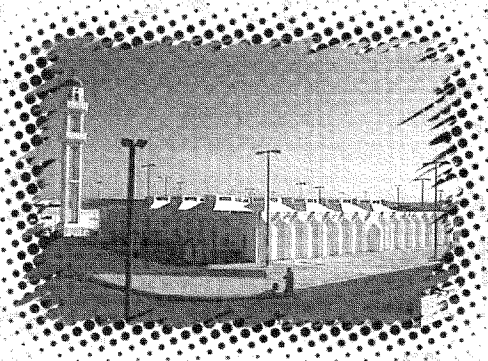
مسجد قرن المنازل



مسجد پالیم



مسجد چمنه



مقدمه

مراتب معنوی حج، که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه نزدیک می‌کند، حاصل نخواهد شد مگر آن که دستورات عبادی حج به طور صحیح و شایسته و دقیق انجام شود. برای انجام دقیق و صحیح فرایض دینی و از جمله فریضه حج، باید دلایل محکم و قاطعی داشته باشیم و دلایل محکم را می‌توانیم با دقت در قواعد فقهی حج به دست آوریم.

کار فقیهان در قواعد فقهی، استخراج ملاک و یافتن موازین و اصول مهم و معرفی آنهاست. در این زمینه فقیهان عامه و فقه‌های امامیه کوشیده‌اند با قبول این امر که فقیهان عامه به ویژه متقدمان آنها، به علت بهره‌گیری از

ابزارهای خاص، نظیر استحسان و قیاس در استنباط فقهی، بی‌شک تلاش بیشتری در تنظیم قواعد فقهی به عمل آورده‌اند. با اندک تأملی می‌بینیم که بسیاری از قواعد کلی، که در کتاب‌های اهل سنت آمده، دقیقاً روایات و احادیثی است که از پیشوایان شیعه امامیه رسیده است. با در نظر گرفتن این مطلب می‌توان گفت که فقه امامیه در زمینه قواعد فقهی در مقایسه با فقه عامه، نه فقط متأخر نیست بلکه مبتکر است. به ویژه آن که بر حسب روایات موجود، روش تعلیماتی پیشوایان شیعه به طور کلی بیان قواعد و اصول بوده است تا آن که پیروان آنان ضمن رعایت متدولوژی خاصی که از آنان فرا می‌گرفته‌اند و پرهیز از هرگونه استنتاج قیاسی قبل از به دست آوردن مناط و علت اصلی حکم از طریق تنصیص و تصریح شرعی بتوانند تفریع فروع و انقسام شقوق کنند. برای نمونه در این باره حضرت رضا (علیه السلام) می‌فرمایند:

«ما قواعد عام و اصول کلی فقهی را بیان می‌کنیم و شما براساس همان اصول و قواعد حکم مصادیق جزئی را حسب مورد استنباط کنید.»^۱

از جمله قواعد فقهی که به باب خاصی از باب‌های فقه اختصاص دارد، این است که: «هر کس به میقات وارد شود، احرام بر او واجب است.» این قاعده به باب حج اختصاص دارد و در دیگر باب‌های فقهی به کار نمی‌رود.

محتوای قاعده

هر انسان مکلفی آنگاه که قصد حج می‌کند، هنگام عبور از یکی از میقات‌ها، احرام بر او واجب می‌شود. پس برای کسی که اراده حج یا عمره نموده، جایز نیست از روی اختیار از میقات عبور کند، جز این که مُحَرَّم شود.

مقصود قاعده این است: کسی باید مُحَرَّم شود که می‌خواهد از میقات عبور کند و قصد انجام مناسک حج را دارد، نه همه کسانی که از میقات عبور می‌کنند.

مدارک و مستندات قاعده

اخبار زیادی بر این قاعده دلالت دارد که به مواردی از آن اشاره می‌شود:

۱. صحیحہ؛ معاویہ بن عمار از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که حضرت فرمودند:
 «از جمله شرایط تمامیت حج و عمره، احرام از مکان‌هایی است که
 پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) مشخص کرده‌اند.»^۱

۲. صحیحہ؛ صفوان، پسر یحیی، از ابو الحسن الرضا (علیه السلام) آورده است:
 «پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) برای ساکنان هر منطقه و نیز برای کسانی که اهل آن منطقه نیستند اما آن
 مسیر و منطقه را برای عبور برگزیده‌اند، میقات‌هایی را معین کرده و به کسی از ساکنان اجازه
 ترک میقات را نمی‌داد و برای دیگران نیز مجاز نبود از میقات بدون احرام عبور کنند، جز
 به خاطر عذری، پس نباید از میقات بدون عذر عبور کنند.»^۲ یعنی نباید از میقات بدون احرام
 عبور کرد مگر به خاطر عذری؛ مانند مریضی یا بیهوشی و مانند آن.

۳. خبر حسن؛ حلبی از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که آن حضرت فرمودند:
 «احرام از میقات‌های پنج‌گانه تعیین شده در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله)، برای حجاج
 شایسته نیست و عمره‌گزاران که مُحرم شوند، قبل یا بعد از میقات‌ها...»^۳

۴. خبر صحیحہ حلبی؛ راوی گوید:
 «از ابو عبدالله (علیه السلام) پرسیدیم: کسی که در شجره مُحرم نشده، از کجا باید
 مُحرم شود؟ حضرت فرمودند: از جُحفه، و نباید از جحفه بگذرد مگر
 این‌که مُحرم شده باشد.»^۴

بررسی و تحلیل احادیث

از احادیثی که گذشت، به این نتیجه می‌رسیم: هر کسی انجام مناسک را اراده کند و در
 صورتی که به یکی از میقات‌ها برسد، احرام بر او واجب می‌شود و مجاز نیست بدون احرام از
 میقات عبور کند. همچنین صحیحہ معاویة بن عمار تصریح کرد که احرام از میقات‌های معین شده
 به وسیله پیامبر (صلی الله علیه و آله) جزئی از اجزای حج و عمره است. بنابراین، باید از میقات‌ها مُحرم شود.
 در حدیث دیگر آمده است: شایسته نیست برای حج گزار و عمره گزار که قبل و بعد از
 آن مُحرم شود. پس، از این حدیث فهمیده می‌شود که شخص نباید قبل از میقات یا بعد از
 آن مُحرم شود.

دیدگاه‌های مختلف در مورد قاعده

دیدگاه اول:

پرسشی که در اینجا وجود دارد، این است که: آیا وجوب احرام هنگام عبور از میقات، ذاتی است یا غیری؟

در نظر صاحب مدارک، وجوب احرام از میقات غیری است.

او می‌نویسد: «بر کسی که داخل مکه می‌شود، واجب است که نیت احرام یا عمره کند؛ زیرا احرام عبادت مستقلی نیست بلکه احرام یا برای حج است یا عمره و واجب است عبادتی را که شروع کرده؛ یعنی حج یا عمره را تکمیل کند تا از احرام خارج شود.»^۶ صاحب جواهر بر قول سید در مدارک ایراد گرفته، می‌گوید:

«اگر این سخن سید اجماعی است که حساب جدایی دارد و گرنه از اطلاق ادله‌ای که در محل بحث وارد شده، می‌توان برای اثبات مشروعیت ذاتی احرام استناد کرد و این که احرام جزئی از حج و عمره باشد، منافاتی با مشروعیت ذاتی آن ندارد.»

و در روایت مرسلی از «کتاب من لایحضره الفقیه» آمده است: «از پیامبر ﷺ و ائمه اطهار روایت شده که احرام برای ورود به حرم واجب است.»^۷

و در حدیث مرسل عباس بن معروف نیز که در علل الشرایع آمده، از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: «مسجد به خاطر کعبه حرمت دارد و حرم به خاطر مسجد، و احرام برای رعایت حرمت حرم واجب است.»^۸

همچنین در خبر ابی المغراء از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمودند: «بنی اسرائیل وقتی قربانی می‌کردند آتشی برمی‌افروختند و معیارشان برای قبولی آن قربانی این بود که: اگر قربانی در آتش سوخت قربانی مورد قبول واقع شده بود و اگر نمی‌سوخت یعنی قربانی قبول نشده است و خداوند به عوض قربانی احرام را قرار داد.»^۹

در خبر جابر از «امام باقر علیه السلام» آمده است موسی بن عمران از رملۀ مصر مُحرَّم شد و از محلی به نام صفائح روحاء، در حالی که محرم بود عبور کرد، شترش را با افساری از لیف خرما هدایت می‌کرد این در حالی بود که دو حولهٔ قطنانی پوشیده بود و تلبیه می‌گفت و کوه‌ها جواب ایشان را می‌دادند.»^{۱۰}

علاوه بر اخبار و احادیث ذکر شده، اخبار دیگری نیز وجود دارد که برای مشروعیت ذاتی احرام به آن‌ها می‌توان استناد کرد.

اما ایرادی که بر روایات فوق می‌توان وارد کرد و بالطبع بر مشروعیت ذاتی احرام، این است که این روایات، هم از نظر سند و هم از نظر دلالت ضعیف‌اند. از نظر سند ضعیف‌اند چون بیشتر این احادیث مرسله هستند. و از جهت دلالت ضعیف‌اند، چون آنچه در بین مردم متعارف است این است که احرام جزئی از حج یا عمره است و به طور ذاتی دارای مشروعیت نیست. علاوه بر این، بعضی از روایات تصریح دارد که مشروعیت احرام برای حج و عمره است؛ به طوری که آن دو (حج و عمره) کامل نمی‌شود مگر با احرام.^{۱۱}

در این خصوص می‌توان استناد کرد به صحیحۀ معاویه بن عمار که می‌گوید: «امام صادق (علیه السلام) فرمودند: تمامیت حج و عمره به این است که محرم شود از...»^{۱۲}

از همین قبیل است خبر حسنۀ حلبی که می‌گوید: «بر حاجی و معتمر شایسته نیست که قبل یا بعد از میقات محرم شود.»^{۱۳} علاوه بر این که مشروعیت احرام برای مناسک قطعی است و لکن مشروعیت ذاتی آن مشکوک است و اصل عدم آن است؛ زیرا عبادات توفیقی بایستی علت معینی از طرف شارع داشته باشد.

این مسأله که می‌گوید: «نباید از احرام خارج شد، مگر آن که مناسک پایان یابد»، خود دلیل بر عدم مشروعیت نفسی (ذاتی) احرام است و به همین دلیل صاحب جواهر فرموده‌اند: «لکن ادله‌ای که دلالت می‌کند بر عدم حصول احلال (محل نشدن از احرام) مگر با اتمام مناسک، کفایت می‌کند بر این که بگوییم احرام عبادت مستقل نیست؛ زیرا دلیلی بر این ادعا که «شخص با رسیدن به مکه یا انجام تقصیر یا غیر این‌ها از احرام خارج می‌شود» وجود ندارد، بلکه ظاهراً ادله برخلاف آن است و ممکن است بعد از تأمل در نصوص (احادیث)، قطع پیدا شود که محل شدن از احرام (در غیر مصدود) متوقف است بر اتمام مناسک و آن نیست مگر افعال (مناسک) عمره یا حج.»^{۱۴}

از آن چه گفتیم، به این نتیجه می‌رسیم که احرام جزئی از افعال عمره و حج است و دارای استقلال ذاتی نیست؛ مانند تکبیرة الاحرام در نماز.^{۱۵}

دیدگاه دوم:

آیا وجوب احرام از میقات، غیری است و مطلوبیت ذاتی ندارد؟
تا این مقدار که وجوب احرام از میقات، غیری است و مطلوبیت ذاتی ندارد، جای هیچ شبهه‌ای نیست. فقط سخن در این است که:

- آیا وجوب احرام برای انجام مناسک است؛ و اگر شخص بخواهد به خاطر عذری، مناسک را بجا نیاورد، برای ورود به حرم یا مکه، احرام بر او واجب نیست؟
- یا این که وجوب احرام برای ورود به حرم است؛ به طوری که وقتی مناسک به خاطر عذری ساقط شد، باز هم احرام برای ورود به حرم واجب است؟

صاحب وسائل بر این باور است که برای دخول در حرم، احرام واجب است؛ چه قصد ورود به مکه را داشته باشد یا نداشته باشد. وی در پنجاهمین باب از ابواب احرام می‌نویسد: «ورود به مکه و حرم، بدون احرام مجاز نیست».^{۱۶}



آن چه در عنوان باب بیان کرده، فتوای ایشان است.
مهم ترین اخبار و روایاتی که در این باب آمده، عبارت اند از:

* صحیحۀ عاصم بن حمید

وی می گوید از امام صادق (ع) پرسیدم: آیا کسی می تواند بدون احرام داخل حرم شود؟
حضرت فرمودند: «نه، مگر مریض یا مبطون باشد.»^{۱۷}

* صحیحۀ محمد بن مسلم

راوی گوید از «امام باقر (ع) پرسیدم: آیا انسان می تواند بدون احرام وارد حرم شود؟
حضرت فرمودند: «خیر، مگر این که مریض یا مبطون باشد.»^{۱۸}

اشکال وارد بر این دو روایت:

پیش از این اشاره شد که احرام، واجب مستقل نیست بلکه وجوب آن غیری است؛ زیرا احرام جزئی از افعال حج و عمره است و اگر احرام برای ورود به حرم واجب است، فقط برای انجام مناسک است و گرنه مجرد احرام بدون اعمال و مناسک قطعاً واجب نیست و این خود قرینه ای است بر این که سؤال در دو روایت صحیح، از ورود به حرم برای مکه و در نهایت انجام مناسک و اعمال حج است و سؤال از صرف ورود به حرم و به خاطر اهداف دیگر به جز مناسک نیست. از سخن دو این دو امام همام (ع) که در بالا اشاره شد، مشخص می شود که جایز نیست برای شخص ورود به حرم بدون احرام، وقتی که هدفش از ورود به مکه انجام مناسک و اعمال حج باشد.



روشن است که دو روایت یاد شده در بالا، اطلاق ندارد تا دلالت کند بر عدم جواز دخول به حرم برای کسی که قصد انجام مناسک در مکه را نداشته باشد.

علاوه بر این، مشهور فقها به ظاهر این دو حدیث عمل نکرده‌اند بلکه صاحب مدارک ادعای اجماع برخلاف آن نموده است، آن‌جا که می‌نویسد: علما بر این مطلب اجماع دارند که اگر کسی از میقات عبور کند و قصد ورود به مکه را نداشته باشد بلکه دارای هدف دیگری است، لازم نیست محرم شود و این خود قرینه‌ای است تا دو حدیث را حمل کنیم بر «ورود به حرم برای انجام مناسک» کسی که داخل حرم (مکه) شود به خاطر هدفی غیر از حج یا عمره و انجام مناسک، احرام بر او واجب نیست اما قولی نیز منصوب است به مشهور فقها که گفته‌اند احرام واجب است بر کسی که داخل مکه می‌شود، هر چند قصد انجام مناسک را نداشته باشد.

برای ورود به مکه احرام واجب است، قطع نظر از این که بخواهد مناسک را انجام دهد. همان‌طور که این عقیده ظاهر کلام سید در مدارک است.^{۱۹}

محقق خویی در کتاب «معتمدالعروة» در این خصوص می‌نویسد: «هیچ اختلاف و اشکالی در این مطلب نیست که ورود به مکه جایز نیست جز با احرام، مگر برای اشخاصی که مکرر رفت و آمد می‌کنند؛ مانند راننده و قافله‌سالار».^{۲۰}

ایرادی که بر نظر مرحوم محقق خویی می‌توان گرفت این است که: اگر هدف و مقصود از «ورود به شهر مکه» انجام مناسک است، بی شک ورود جز به حالت احرام جایز نیست. و اگر مقصود فقط ورود به شهر باشد نه انجام مناسک، باز هم واجب است با احرام وارد شود. روشن است که این مقصود دوم، با عدم وجوب ذاتی احرام منافات دارد؛ زیرا در بحث نخست گفته شد که وجوب احرام برای انجام مناسک است، از آن رو که احرام جزئی از اعمال در حج و عمره است.

برای روشن شدن بخش دوم مطلب که: «مقصود فقط ورود به شهر باشد نه انجام مناسک»، ناگزیریم کمی بیشتر توضیح دهیم. در خبر صحیحۀ محمد بن مسلم آمده بود که: «از اباجعفر پرسیدم: آیا شخص می‌تواند بدون احرام به حرم وارد شود. حضرت فرمودند: نه، مگر مریض باشد یا وطن او محسوب شود».^{۲۱}

در اینجا ناگزیریم این بخش از روایت را حمل کنیم بر کسی که می‌خواهد مناسک را در مکه انجام دهد.^{۲۲}

و بعید نیست منظور سید در مدارک، آنجا که گفت: «اجماع علما در مورد کسی از میقات بگذرد» کسی باشد که بعد از ورود به مکه قصد انجام مناسک را ندارد. سید علاوه بر این، وجوب احرام برای حج و عمره را تصریح کرده و فرموده است: «علما اجماع دارند که اگر کسی از میقات عبور کند و قصد ورود به مکه را نداشته باشد بلکه برای هدف دیگری رفته است، لازم نیست محرم شود.»^{۲۳}

صاحب جواهر با اشاره به همین مطلب می گوید: «...گفته شده، ادله‌ای که دلالت دارد بر این که بیرون آمدن از لباس احرام امکان‌پذیر نیست جز با اتمام مناسک حج، کفایت می‌کند بر عدم وجوب ذاتی احرام.»^{۲۴}

و بالاخره این سخن مرحوم خویی که گفته است: «اختلاف و اشکالی نیست در این که ورود به مکه بدون احرام جایز نیست.»^{۲۵} منافات دارد با سخن دیگرش که می‌گوید: «اگر احرام برای ورود به حرم واجب باشد، فقط به خاطر انجام مناسک است و گرنه مجرد احرام بدون انجام اعمال و مناسک، احتمال وجوبش داده نمی‌شود.»^{۲۶}

این مطلب صراحت دارد در این که وجوب احرام تنها برای انجام مناسک است. پس اگر مقصود مکلف انجام مناسک نباشد، احرام لغو است، اگر چه بخواهد وارد مکه شود. نتیجه این بررسی آن است که احرام واجب است برای کسی که قصد مناسک را دارد نه برای کسی که فقط می‌خواهد داخل حرم یا مکه شود.^{۲۷}

آیا عبور از میقات در حال احرام کافی است اگر چه قبلاً محرم شده باشد یا خیر؟

معلوم شد کسی که از میقات عبور می‌کند، واجب است از میقات احرام ببندد. علما بر این مطلب اتفاق دارند که احرام قبل از میقات جایز نیست و عبور در حال احرام از میقات کافی نیست. احادیثی در این زمینه وجود دارد که در ذیل به چند مورد اشاره می‌کنیم:

۱. صحیحۃ ابن اذینه: «کسی که قبل از میقات مُحَرَّم شود گویا اصلاً مُحَرَّم نشده است.»^{۲۸}
۲. صحیحۃ حلبی: «احرام در میقات‌های پنج‌گانه‌ای است که پیامبر خدا ﷺ آن‌ها را مشخص کرده و برای حاجی و معتمر شایسته نیست که قبل و یا بعد از آن‌ها احرام ببندد.»^{۲۹}
۳. صحیحۃ میسره: «... به محضر امام صادق (ع) شرفیاب شدم در حالی که چهره‌ام تغییر کرده بود. حضرت پرسیدند از کجا مُحَرَّم شدی؟ گفتیم: از فلان مکان. حضرت فرمودند: چه بسا کسی

خواهان خیری است که پایش می لغزد و اشتباه می کند. سپس فرمود: می توانی در سفر نماز را چهار رکعتی بخوانی. عرض کردم: نه. حضرت فرمود: به خدا سوگند این هم مثل آن است.^{۳۰} علاوه بر موارد یاد شده، اخبار دیگری هم در این زمینه وجود دارد که به دلیل پیشگیری از طولانی شدن بحث، به همین اخبار اکتفا می کنیم.

استثنائات احرام قبل از میقات

از آن چه در خصوص عدم احرام قبل از میقات گفته شد، دو مورد استثنا کرده است که در ذیل به بررسی آنها می پردازیم:

۱. کسی که نذر کرده قبل از میقات مُحرم شود؛ این کار صحیح است و او می تواند با همان احرام از میقات بگذرد.

اخبار زیادی به صحت این مسأله دلالت می کند. چند مورد از این اخبار عبارت اند از:
(الف) خبر ابو بصیر از امام صادق (ع): راوی گوید: «شنیدم که امام (ع) می فرمود: اگر خداوند به بنده ای نعمت دهد یا او را به بیماری مبتلا کند و سپس از آن بلا عافیت یابد و به خاطر شکر نعمت یا بهبود از بیماری نذر کند از خراسان محرم شود، باید به نذرش عمل کند.»^{۳۱}
(ب) صحیح حلی؛ راوی گوید: «از امام صادق (ع) در باره وظیفه شخصی که خداوند به او لطفی کرده و او نذر نموده که از کوفه محرم شود، پرسیدم؟ امام (ع) فرمودند: باید از کوفه محرم شود و به نذری که بسته وفا کند.»^{۳۲}

(پ) خبر صفوان از علی بن ابی حمزه؛ راوی گوید «به امام صادق (ع) نوشتم و از حضرت در مورد شخصی که نذر کرده است از کوفه محرم شود پرسیدم؟ حضرت فرمودند: از کوفه محرم می شود.»^{۳۳}

به استناد احادیث فوق، فقها فتوا داده اند که اگر زنی دچار عذر شرعی خواهد شد، می تواند با نذر قبل از میقات محرم شود.

۲. احرام به دلیل تنگی وقت، قبل از میقات برای از دست ندادن فضیلت ماه رجب اگر چه انجام عمره مفرده در تمام ایام سال ممکن است، ولی شیعه برای انجام عمره در ماه رجب امتیاز خاصی قائل است.

لذا یکی از مواردی که می‌توان قبل از میقات محرم شد این است که اگر بخواهد در میقات محرم شود، به دلیل تنگی وقت ممکن است فضیلت ماه رجب را از دست بدهد. در این صورت می‌تواند قبل از میقات محرم شود و از پاداش عمره رجبیه برخوردار شود، اگر چه بقیه اعمال را در ماه شعبان انجام خواهد داد. اخباری که تأیید کننده این مسأله است، عبارت‌اند از:

الف) صحیحۃ اسحاق بن عمار از امام کاظم (ع): «راوی گوید از ابو ابراهیم پرسیدیم: شخصی به قصد عمره رجبیه از منزل خارج می‌شود. قبل از این که به سرزمین عقیق^{۳۴} برسد، هلال ماه داخل می‌شود، آیا قبل از میقات محرم شود و نیت عمره رجبیه نماید یا احرام را به تأخیر اندازد و در میقات عمره شعبانیه به جا آورد؟ حضرت فرمود: قبل از میقات محرم می‌شود برای ماه رجب؛ زیرا برای ماه رجب فضیلتی است و او به آن فضیلت می‌رسد.»^{۳۵}

ب) صحیحۃ معاویه بن عمار: «راوی گوید شنیدم از امام صادق (ع) که فرمودند: شایسته نیست قبل از میقات‌هایی که پیامبر مشخص کرده‌اند، احرام بست، مگر برای کسی که می‌خواهد عمره رجبیه به جا آورد و می‌ترسد ماه رجب سپری شود.»^{۳۶}

فقها به استناد احادیث و اخبار فوق فتوا داده‌اند که به چند نمونه از استفتائات و فتاوی مراجع عظام اشاره می‌گردد:

استفتائات و نظرات مراجع عظام تقلید و صاحب نظران در خصوص استثنائات احرام

استثنای اول، نذر:

مسأله ۱: «احرام قبل از میقات‌ها جایز نیست و بسته نمی‌شود و عبور از آن‌ها با حالت احرام کفایت نمی‌کند، بلکه باید از میقات، احرام را (با نیت) ایجاد نمود و از این، دو مورد استثنا می‌شود: اولی از آن‌ها وقتی است که محرم شدن قبل از میقات را نذر کرده باشد؛ زیرا این نذر جایز و صحیح است و عمل به آن واجب است و تجدید کردن احرام در میقات واجب نیست و لازم نیست که از آن عبور کرد و احتیاطاً آن است که مکان را معین کند، بنابراین نذر احرام بستن قبل از میقات بدون آن که جا را تعیین کند، احتیاطاً صحیح نیست و اگر در تعیین بین دو مکان مردد باشد، بعید نیست که صحیح باشد به این که بگوید برای خدا

بر عهده من است که احرام ببندم از کوفه یا از بصره، اگر چه احتیاط خلاف آن است و بین این که احرام برای حج واجب یا مستحب و یا برای عمره مفرده باشد فرقی نمی کند، البته اگر برای حج یا عمره تمتع باشد، شرط است که در ماه های حج باشد.»^{۳۷}

مسأله ۲: اگر نذر کند و عمداً یا از روی فراموشی نذرش را مخالفت کند و از همان جا که تعیین کرده محرم نشود، در صورتی که از میقات احرام ببندد احرامش باطل نیست و اگر عمداً مخالفت نذرش کرده، دادن کفاره بر او لازم است.»^{۳۸}

«احرام بستن قبل از میقات صحیح نیست، ولی اگر نذر کند که پیش از میقات محرم شود جایز است و باید از همان جا محرم شود؛ مثلاً نذر کند از مدینه منوره محرم شود.»^{۳۹}

«زنی که از طرف دیگری نایب در حج است نیز می تواند پیش از میقات محرم شود.»^{۴۰}
۱. «مقام معظم رهبری: احرام بستن پیش از رسیدن به میقات صحیح نیست مگر آن که فرد نذر کند از محلی که پیش از میقات است احرام ببندد؛ مثل این که نذر کند از مدینه یا شهر خودش محرم شود، که در این صورت باید از همان مکان محرم شود و احرام او صحیح است.»^{۴۱}

۲. آیت الله فیاض کابلی: احرام بستن پیش از میقات، به جز دو حالت، جایز نیست:
اول: آن که احرام بستن قبل از میقات را نذر کرده باشد و سپس از آن جا محرم گردد که در این صورت احرامش صحیح است. گرچه احرام بستن از یکی از میقات ها برایش ممکن باشد و نیز هنگام عبور از میقات و یا محاذی آن، تجدید احرام برایش واجب نیست و در این حکم احرام عمره تمتع یا عمره مفرده و یا حج افراد با هم تفاوتی ندارد.»^{۴۲}

۳. استفتا از امام خمینی (ره): «در مناسک مرقوم است که زن های حائض باید عبوراً از مسجد شجره محرم شوند و اگر نمی توانند در خارج محرم شوند، در محاذی جحفه تجدید احرام کنند.»

چون این کار مشکل است و محاذی جحفه معلوم نیست، آیا حضرت امام اجازه می فرمایند که این گونه اشخاص در مدینه با نذر محرم شوند؟

پاسخ حضرت امام (ره): چون احرام قبل از میقات با نذر صحیح است، زن های حائض که عذر شرعی از دخول مسجد دارند، می توانند در مدینه با نذر برای عمره محرم شوند و در این صورت لازم نیست به مسجد شجره بروند، ولی نذر زن باید با اذن شوهر باشد.»^{۴۳}

استثنای دوم

امام خمینی علیه السلام در تحریر الوسیله می نویسد:

«اگر فرد بخواهد به عمره ماه رجب برسد و بترسد که اگر احرام را تا میقات تأخیر بیندازد عمره رجبیه فوت شود، بنابراین، محرم شدن قبل از میقات جایز است و برایش عمره ماه رجب محسوب می شود، اگر چه بقیه اعمال را در ماه شعبان به جا بیاورد و بهتر و با احتیاط موافق تر آن است که در میقات آن را تجدید نماید.

کما اینکه احتیاط آن است که تا آخر وقت تأخیر بیندازد، اگر چه ظاهر این است که اگر بداند که در صورت تأخیر تا میقات، به عمره نمی رسد، محرم شدن قبل از ضیق وقت، جایز باشد و ظاهر این است که بین عمره مستحبی و واجب و نذری و مانند آن فرقی نیست.»^{۴۳}

«آیت الله فیاض کابلی: اگر مکلف بیم آن دارد که اگر احرام را تا میقات به تأخیر بیندازد، عمره رجب را در ک نکند در این صورت جایز است قبل از رسیدن به میقات به نیت عمره مفرده در ماه رجب احرام ببندد و بدین ترتیب برای وی عمره رجب به حساب می آید، اگر چه بقیه اعمال آن در ماه شعبان انجام شود.»^{۴۵}



جمع بندی و نتیجه گیری

۱. کسی که می خواهد وارد مکه شود، اما به خاطر عذری نمی تواند مناسک انجام دهد، واجب نیست از میقات مُحرم شود.
۲. کسی که می خواهد مناسک انجام دهد، هر چند بالغ نباشد، باید از میقات مُحرم شود. به دلیل قاعده هر کس از میقات عبور کند، احرام بر او واجب است.
۳. اگر کسی بخواهد از روی معصیت مناسک را انجام ندهد، ظاهراً مُحرم شدن از میقات بر او واجب نیست.
۴. کسی که اراده انجام مناسک را داشته باشد، لکن شک کند که آیا مناسک او به خاطر ریا یا جهات دیگری باطل است یا نه واجب است از میقات مُحرم شود. به دلیل قاعده «مَنْ مَرَّ بِمِيقَاتٍ».
۵. اگر کسی از روی علم و عمد احرام از میقات را به تأخیر بیندازد و بتواند به میقات برگردد، واجب است به میقات برگردد و از آنجا مُحرم شود. اگر چه به واسطه این که از میقات بدون احرام عبور کرده، مرتکب گناه شده است.
۶. کسی که قبل از میقات مُحرم شود واجب است مجدداً به هنگام عبور از میقات مُحرم شود مگر کسی که احرام قبل از میقات را نذر کرده باشد. یا قصد درک عمره رجیه را داشته باشد و برسد که اگر احرام را به میقات موکول کند ماه رجب سپری شود.
۷. کسی که بخواهد داخل حرم شود به خاطر هدفی از اهداف واجب نیست از میقات مُحرم شود، مگر این که بخواهد بعد از ورود به حرم مناسک انجام دهد.

پی نوشت ها:

۱. قال ابو الحسن عليه السلام: «عَلَيْنَا إِقَاءُ الْأُصُولِ وَعَلَيْكُمْ التَّفَرُّعُ»، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۴۵؛ وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۶۲.
۲. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ تَمَامَ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ أَنْ تُحْرِمَ مِنَ الْمَوَاقِيتِ الَّتِي وَقَّعَهَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَلَا تُجَاوِزَهَا إِلَّا وَأَنْتَ مُحْرِمٌ...»، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۴۱، الباب ۱۶ من ابواب المواقیت، ح ۱.
۳. «إِنْ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَقَّعَ الْمَوَاقِيتَ لِأَهْلِهَا وَلِمَنْ أَتَى عَلَيْهَا مِنْ غَيْرِ أَهْلِهَا وَفِيهَا رُخْصَةٌ لِمَنْ كَانَتْ بِهِ عِلَّةٌ فَلَا يُجَاوِزُ الْمِيقَاتِ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ»، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۴۰، الباب ۱۶ من ابواب المواقیت، ح ۱.
۴. «الْإِحْرَامُ مِنْ مَوَاقِيتِ خُمْسَةٍ، وَقَّعَهَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَا يَنْبَغِي لِحَاجٍّ وَلَا لِمُعْتَمِرٍ أَنْ يُحْرِمَ قَبْلَهَا وَلَا بَعْدَهَا...»، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۲۲، الباب ۱۶ من ابواب المواقیت، ح ۳.

٥. «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْإِذَا جَاوَزَ الشَّجَرَةَ فَقَالَ مِنَ الْجُحْفَةِ - وَ لَا يُجَاوِزِ الْجُحْفَةَ إِلَّا مُحْرِمًا»، وسائل الشيعة، ج ٨، ص ٢٢٩، الباب ٦ من ابواب المواقيت، ح ٣
٦. «و يجب على الداخل أن ينوي بإحرامه الحج أو العمرة، لأن الإحرام عبادة لا يستقل بنفسه، بل إما أن يكون بحج أو عمرة، و يجب إكمال النسك الذي تلبس به ليتحلل من الإحرام»، مدارك الأحكام، ج ٧، ص ٣٨١
٧. «رَوَى عَنِ النَّبِيِّ ﷺ وَ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنَّهُ وَجِبَ الْإِحْرَامُ لِعِلَّةِ الْحَرَمِ»، وسائل الشيعة، ج ٩، ص ٣، الباب من ابواب الاحرام، ح ٣
٨. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: حُرْمُ الْمَسْجِدِ لِعِلَّةِ الْكَعْبَةِ - وَ حُرْمُ الْحَرَمِ لِعِلَّةِ الْمَسْجِدِ وَ وَجِبَ الْإِحْرَامُ لِعِلَّةِ الْحَرَمِ»، وسائل الشيعة، ج ٩، ص ٣، الباب من ابواب الاحرام، ح ٥
٩. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ كَانَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ إِذَا قَرَّبَتْ الْقُرْبَانَ تَخْرُجُ نَارٌ تَأْكُلُ قُرْبَانَ مَنْ قَبْلَ مَنْهُ وَ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْإِحْرَامَ مَكَانَ الْقُرْبَانِ»، وسائل الشيعة، ج ٩، ص ٢، الباب من ابواب الاحرام، ح ٢
١٠. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ أَحْرَمَ مُوسَى ﷺ مِنْ رَمْلَةٍ مَضْرُوقَةٍ وَ مَرِّ بِصَفَاكِ الرُّوحَاءِ مُحْرِمًا يَقُودُ نَاقَتَهُ بِخَطَامٍ مِنْ لَيْفٍ عَلَيْهِ عِبَاءٌ تَانِ قَطْوَانَتَانِ يَلْمِي وَ تَجِبُهُ الْجِبَالُ»، وسائل الشيعة، ج ٩، ص ٢، الباب ١ من ابواب الاحرام، ح ٢
١١. الفوائد الفقهية، ج ١
١٢. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ مَنْ تَمَامَ الْحَجَّ وَ الْعُمْرَةَ أَنْ تُحْرِمَ مِنَ الْمَوَاقِيتِ»، وسائل الشيعة، ج ٨، ص ٢٤١، باب ١٦ من ابواب المواقيت، ح ١
١٣. «لَا يَتَنَبَّعِي لِحَاجٍّ وَ لَا لِمُعْتَمِرٍ أَنْ يُحْرِمَ قَبْلَهَا وَ لَا بَعْدَهَا»، وسائل الشيعة، ج ٨، ص ٢٢٢، الباب من ابواب المواقيت، ح ٣
١٤. جواهر الكلام، ج ١٨، ص ٤٤١
١٥. همان.
١٦. «بَابُ أَنَّهُ لَا يُجَاوِزُ دُخُولُ مَكَّةَ وَ لَا الْحَرَمَ بِغَيْرِ إِحْرَامٍ»، وسائل الشيعة، ج ٩، ص ٦٧
١٧. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع... قَالَ: لَا إِلَّا مَرِيضٌ أَوْ مُنْطَوْنٌ» (وسائل الشيعة، ج ٩، ص ٦٧ الباب ٥٠ من ابواب الاحرام، ح ١)
١٨. «قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع هَلْ يَدْخُلُ الرَّجُلُ الْحَرَمَ بِغَيْرِ إِحْرَامٍ؟ قَالَ: لَا، إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَرِيضًا أَوْ بِهِ بَطْنٌ»، وسائل الشيعة، ج ٩، ص ٦٧ الباب ٥٠ من ابواب الاحرام، ح ٢
١٩. «... أجمع العلماء على أن من مر على الميقات و هو لا يريد دخول مكة بل يريد حاجة فيما سواها لا يلزمه الإحرام...»، مدارك الأحكام، ج ٧، ص ٢٣٤
٢٠. «لا خلاف و لا إشكال في عدم جواز الدخول إلى مكة إلا محرماً إلا لأشخاص ممن يتكرر دخوله كالحطاب و الحشاش»، معتمد العروة كتاب الحج، ج ٢، ص ٤٢٦: موسوعة الامام الخوئي، ج ٢٧، ص ٢٣٦
٢١. «قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع هَلْ يَدْخُلُ الرَّجُلُ الْحَرَمَ بِغَيْرِ إِحْرَامٍ؟ قَالَ: لَا إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَرِيضًا أَوْ بِهِ بَطْنٌ»، وسائل الشيعة، ج ٩، ص ٦٧ الباب ٥٠ من ابواب الاحرام، ح ٣

۲۲. القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۳۰۳

۲۳. «... أجمع العلماء على أن من مرَّ على الميقات وهو لا يريد دخول مكة...» (مدارك الاحكام ۷: ۲۳۴).

۲۴. «إن ما دل على عدم حصول الإحلال له إلا بإتمام النسك كاف في عدم ثبوت استقلاله...» (جواهر الكلام، ج ۱۸، ص ۴۴۱).

۲۵. «لا خلاف ولا إشكال في عدم جواز الدخول إلى مكة إلا محرماً»، معتمد العروة كتاب الحج، ج ۲، ص ۴۲۶

۲۶. «لو وجب الإحرام لدخول الحرم فإنما هو لأداء المناسك، وإلا فصِرَدَ الإحرام بدون الأعمال والمناسك لا نحتمل وجوبه»، معتمد العروة، كتاب الحج، ج ۲، ص ۴۲۸؛ موسوعة الامام الخوئي، ج ۲۷، ص ۳۳۷

۲۷. القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۳۰۴

۲۸. «وَمَنْ أْخْرَمَ دُونَ الْوَقْتِ فَلَا إِحْرَامَ لَهُ»، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۳۲ الباب من ابواب المواقيت، ح ۳

۲۹. «الإِحْرَامُ مِنْ مَوَاقِيتٍ خَمْسَةٍ وَقَتَّهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا يَنْبَغِي لِحَاجٍّ وَلَا لِمُعْتَمِرٍ أَنْ يُحْرِمَ قَبْلَهَا وَلَا بَعْدَهَا»، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۳۴، الباب ۱۱ من ابواب المواقيت، ح ۱

۳۰. «عَنْ مُسَيَّرٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع وَانَا مُتَعَمِّرُ اللَّوْنِ فَقَالَ لِي: مِنْ أَيْنَ أْخْرَمْتَ؟ قُلْتُ: مِنْ مَوْضِعٍ كَذَا وَكَذَا فَقَالَ: رَبُّ طَالِبٍ خَيْرٌ تَزَلُّ قَدَمُهُ، ثُمَّ قَالَ: يُسْرُكُ أَنْ صَلَّيْتَ الظُّهْرَ أُرِيْعَا فِي السَّفَرِ، قُلْتُ: لَا. قَالَ فَهُوَ وَاللَّهِ ذَاكَ»، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۳۴، الباب ۱۱ من ابواب المواقيت، ح ۵

۳۱. «لَوْ أَنَّ عَبْدًا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ نِعْمَةً أَوْ ابْتَلَاهُ بِبَلِيَّةٍ فَعَافَاهُ مِنْ تِلْكَ الْبَلِيَّةِ فَجَعَلَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يُحْرِمَ بِخُرَاسَانَ كَانَ عَلَيْهِ أَنْ يُنِّمَ»، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۳۷، الباب ۱۳ من ابواب المواقيت، ح ۳

۳۲. «عن رجل جعل الله عليه شكراً أن يحرم من الكوفة؟ قال: فليحرم من الكوفة وليف الله بما قال»، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۳۶، الباب ۱۳ من ابواب المواقيت، ح ۱

۳۳. «كَتَبْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَسَأَلُهُ عَنْ رَجُلٍ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَنْ يُحْرِمَ مِنَ الْكُوفَةِ - قَالَ يُحْرِمُ مِنَ الْكُوفَةِ»، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۳۷، الباب ۱۳ من ابواب المواقيت، ح ۲

۳۴. عقیق و آن میقات اهل نجد و عراق و کسی که از غیر ایشان از آن عبور می کند باشد و اول آن مسلخ است و وسط آن عمره و آخر آن ذات عراق است و اقوی آن است که احرام بستن از همه جاهای آن جایز است و افضل آن است که از مسلخ سپس از عمره باشد (ترجمه‌ی تحریر الوسیله ۲: ۸۷).

العقیق: عقی یعنی قطع و جدا شد. و در بلاد عرب جاهای بسیاری است که نام آن‌ها را عقیق گذاشته و به هر جایی که سبیل آن را گشاد کرده عقیق گویند، در حجاز هفت عقیق موجود است که مشهورترین آن‌ها عقیق مدینه است. عقیق: راه مدینه به مکه از عقیق می‌گذرد از مدینه تا ذوالحلیفه شش میل است و آن میقات برای حاجی‌هاست (قاموس حج، ملکوتی فر و سید حسن طیبی ص ۸۸).

۳۵. «سَأَلْتُ أَبَا إِبْرَاهِيمَ عَنِ الرَّجُلِ يَجِيءُ مُعْتَمِراً يَنْوِي عُمْرَةً رَجَبٍ فَيَدْخُلُ عَلَيْهِ الْهَلَالُ - قَبْلَ أَنْ يَبْلُغَ الْعُقَيْقَ، فَيُحْرِمَ قَبْلَ الْوَقْتِ وَ يَجْعَلُهَا لِرَجَبٍ أَمْ يُؤَخِّرُ الْإِحْرَامَ إِلَى الْعُقَيْقِ - وَ يَجْعَلُهَا لَشُعْبَانَ، قَالَ: يُحْرِمُ قَبْلَ الْوَقْتِ لِرَجَبٍ - فَإِنْ لِرَجَبٍ فَضْلاً وَ هُوَ الَّذِي نَوَى»، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۳۶، الباب ۱۲ من ابواب المواقيت، ح ۲

۳۶. «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَيْسَ يَنْبَغِي أَنْ يُحْرَمَ دُونَ الْوَقْتِ الَّذِي وَقَّعَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِلَّا أَنْ يَخَافَ قَوْتُ الشَّهْرِ فِي الْعُمْرَةِ»، وسائل الشيعة، ج ۸، ص ۲۳۶، الباب ۱۲ من ابواب المواقيت، ح ۱
۳۷. تحرير الوسیله، ج ۲، میقات ها، ص ۱۸۹
۳۸. تحرير الوسیله، ج ۲، میقات ها، ص ۱۹۱
۳۹. مناسک حج ویژه بانوان، محمدحسین فلاح زاده، ص ۴۰
۴۰. همان.
۴۱. مناسک حج، خامنه ای، مسایل میقات، ص ۱۸
۴۲. مناسک حج، فیاض کابلی، محمد اسحاق، ص ۸۴
۴۳. مناسک حج، امام خمینی، مسائل متفرقه میقات، ص ۷۰
۴۴. ترجمه تحرير الوسیله، ج ۲، میقات ها ص ۱۹۱
۴۵. مناسک حج فارسی، فیاض کابلی، محمد اسحاق، ص ۸۴

منابع

۱. ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی، علل الشرائع، کتابفروشی داوری، بی جا، بی تا.
۲. _____، من لایحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه إلى مسائل الشیعه، بی نا، چاپ ششم، ۱۳۶۱ش.
۴. خامنه ای، سیدعلی، مناسک حج، تهران، مشعر، بی تا.
۵. خمینی، روح الله، تحرير الوسیله، منشورات مدرسه دارالعلم، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ش.
۶. _____، تحرير الوسیله، مترجم: علی اسلامی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۲۵ق.
۷. _____، مناسک حج، تهیه و تنظیم محمدرضا محمودی، نشر مشعر، چاپ سوم، ۱۳۸۶ش.
۸. خویی، سیدابوالقاسم، معتمدالعروه، منشورات مدرسه دارالعلم، بی تا.
۹. _____، موسوعة الامام الخوئی، بی جا، مؤسسة احیاء الآثار الامام الخوئی، تهران، مشعر، بی تا.
۱۰. زارعی سبزواری، عباسعلی، القواعد الفقهیه فی فقه الامامیه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۳۰ق.
۱۱. فلاح زاده، محمدحسین، مناسک حج ویژه بانوان، تهران، مشعر، ۱۴۱۸ق.
۱۲. فیاض کابلی، محمد اسحاق، مناسک حج، تهران، مشعر، بی تا.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مؤسسة الوفاء، لبنان، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق.
۱۴. ملکوتی فر، ولی الله و طبیبی، سیدحسن، قاموس حج، سبزواری، انتشارات ابن یمن، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
۱۵. موسوی عاملی، سیدمحمد، مدارک الاحکام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۱۶. نجفی، شیخ محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تحقیق عباس قوچانی، دارالکتاب الاسلامی، ۱۳۹۳ق.